اطلاعیه

درباره ترور جنایتکارانه قاسملو توسط جمهوری اسلامی

دکترعبدالرحمن قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران عصر پنجشنبه ۲۲ تیر ماه بهمراه دو تن دیگر در وین پایتخت اتریش بدست اوباشان جمهوری اسلامی، بقتل رسید. این جنایت جبونانه هنگامی صورت گرفت که دکتر قاسملو و همراهانش مشغول مذاکره با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی، بودند. البته مدتها بود که خبر مذاکرات دو جانبه حزب دمکرات و جمهوری اسلامی بر سر زبانها بود و از ملاقاتهای پی در پی سران حزب و فرستادگان رژیم در خارج کشور، همگان خبر داشتند. رژیم ارتجاعی فرصت را غنیمت شمرده بر مبنای منافع و مصالح و محاسبات خود به این اقدام جنایتکارانه دست زد.

اگر جمهوری اسلامی در صدد است با این عمل تبهکارانه توده های کردستان را مرعوب کند باید بداند که این آرزو را بگور خواهد برد. این واقعه فقط تبارز دیگری از مجموعه بحرانهای ایدئولوژیک ـ سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی است.

قاسملو و حزبش طرفدار رهائی واقعی ملت کرد نبودند. طرفدارانقلابی که تمام مردم ایران را از انواع و اقسام ستم و استثمار برهاند، نبودند. آنها بدنبال شریك شدن در قدرت و حفظ مناسبات اقتصادی ـ اجتماعی موجود، بودند. با این وجود جمهوری اسلامی به آنان رحم نکرد. دکتر قاسملو و حزبش طی سالهای گذشته بقول خودشان راه «واقع بینی» در پیش گرفته و رهائی ملت ستمدیده کرد را منوط به راه حل های مسالمت آمیز میدانستند؛ بهمین خاطر حتی آنجا که بمبارزه مسلحانه علیه رژیم دست میزدند بدان جهت بود که راه سازش و گفتگو با دشمن را هموارتر سازند. دکتر قاسملو و حزبش پیگیرانه سیاست و تبلیغات ضد کمونیستی را درون جنبش کردستان پیش میبردند. آنجا که جدال میان منافع اقشار و طبقات توانگر با زحمتکشان کرد جریان می یافت، جانب توانگران را میگرفتند. بر ادامه جنگ داخلی علیه نیروهای کرد مخالف و رقیب خویش پافشاری میکردند و از این کار بعنوان امتیازی در جریان سازش با جمهوری اسلامی سود می جستند. با این وصف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به او رحم نکرد.

امپریالیستهای اروپائی که قاسملو بیشتر آنان را «دوست ملت کرد» می نامید، از او حمایت نکردند، در عوض باید گفت که به احتمال قریب به یقین هنگام طرح نقشه و اجرای قتل قاسملو و دوستانش چشمان خود را فرو بسته تا بگویند ما چیزی نمیدانیم! دکتر قاسملو با مبارزه ملت کرد برای حق تعیین سرنوشت مخالفت میورزید و معتقد بود که باید ملت کرد به خرده امتیازاتی تحت همین نظام رضایت دهد. او معتقد بود که مبارزه برای حق تعیین سرنوشت کرد ها را مستقیما با امپریالیستها رودر رو قرار میدهد، چرا که حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد یعنی بهم زدن مرزهائی که قدرتهای امپریالیستی پس از جنك اول و دوم جهانی، ترسیم کرده اند. با این وصف دوستان امپریالیست قاسملو از او حمایت نکردند. این واقعه درس عمیقی را برای توده های وسیع کرد زنده کرده است. و آن اینکه هرگز نباید به قدرتهای امپریالیستی و دول مرتجعی که بر ملت کرد ستم روا میدارند، اعتماد کرد.

خلق کرد در طول ده سال گذشته منبع الهام و سرمشق ستمدیدگان ایران در مبارزه شان علیه رژیم منفور جمهوری اسلامی بوده و همواره حسن نظر و پشتیبانی کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی دیگر نقاط ایران را بخود جلب نموده است. بدون شك در مقابل طرحها و توطئه های تبهکارانه رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه و تشدید قهر ضد انقلابی در کردستان، توفان نوینی در مبارزه توده های وسیع کرد آغاز خواهد شد و این در حالیست که روحیه تعرض و مبارزه در میان کارگران و دهقانان و زنان و جوانان نقاط دیگر ایران در حال رشد است.

کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی سراسر ایران باید بیدریغ از مبارزات خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت حمایت کنند. هر گونه مسامحه در این امر بمعنای تقویت نظام موجود و حاکمیت جمهوری اسلامی میباشد. در کردستان کسانی که واقعا خواهان انقلابی پیروزمند و رهائی واقعی اند باید تلاش کنند که کردستان مرکز ایده های انقلابی و مبارزه مسلحانه انقلابی پیگیر، سازش ناپذیر و پیروزمند شود. چنین امری فقط تحت هدایت علم انقلاب طبقه کارگر جهانی یعنی مارکسیسم ـ لنینیسم ـ اندیشه مائو تسه دون، تحقق پذیر است. پیروزی انقلاب ایران در گروی رهبری حزبی مسلح به این علم، می باشد. حزبی که مبارزه مسلحانه را در مسیر ترسیم شده توسط مائو تسه دون، هدایت کند. بدین ترتیب بقول مائو «به یقین میتوان گفت دیری نخواهد پائید که استعمار، امپریالیسم و کلیه نظامهای استثماری کاملا مضمحل خواهند گشت و کلیه خلقها و ملل ستمدیده جهان به آزادی دست خواهند یافت.»

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) ـ تیر ماه ۱۳۶۸